

چالش‌های فرهنگی و هویتی جانبازان جنگ تحمیلی^۱

مطالعات جامعه‌شناختی

(علمی - پژوهشی)

دوره ۱۹، شماره دوم: ۱۴۰-۱۱۳

شاپا ۲۸۰۹-۱۰۱۰

نمایه در ISC

موسی عنبری^۲

دانشیار گروه توسعه دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

قاسم اویسی فردویی

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی

پذیرش: ۹۱/۴/۱۲

دریافت: ۹۰/۸/۲۵

چکیده

با گذشت بیش از دو دهه از پایان جنگ تحمیلی، همچنان بار رنج ناشی از جنگ‌زدگی و آسیب‌دیدگی بر دوش برخی از خانواده‌ها سنگینی می‌کند. در میان آسیب‌دیدگان از جنگ، جانبازان به‌عنوان نمادهای عینی و ماندگار گفتمان ایثار و شهادت، از جایگاه ویژه برخوردارند. جانبازان با مسائل و مشکلات گوناگونی مواجه‌اند که یکی از مهم‌ترین آن‌ها «دغدغه هویت جانبازی» و چالش‌های مربوط به آن است. پرسش مقاله این است که جانبازان در مورد جایگاه و هویت جانبازی خود و تغییرات آن نسبت به گذشته چگونه می‌اندیشند؟ برای ارزیابی و تحلیل این موضوع، با روش کیفی، نظرات تفصیلی ۳۲ نفر از جانبازان ۷۰ درصد شهر تهران با مصاحبه‌های متمرکز گروهی و انفرادی جمع‌آوری و مقایسه شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که از منظر جانبازان، ادبیات جانبازی دستخوش تغییرات گردیده و در بسیاری از موارد، تقدس و منزلت جانبازی به مجموعه‌ای از تعارفات، گفتارهای رسانه‌ای و تبلیغاتی تقلیل یافته است. در سطح جامعه، الگوهای رفتاری جدید ناهمخوان با فرهنگ ایثارگری گسترش یافته و تفسیر و قرائت‌های نوین اما متعارض با گفتمان ایثارگری به‌وجود آمده است. برحسب یافته‌ها، اکنون تحولات در گفتمان ارزشی جانبازی و ایثارگری، به رویکرد عمدتاً مادی و معیشتی منجر شده است، به‌میزانی که در جامعه رویکرد مادی و اقتصادی بر نگرش فرهنگی نسبت به جانبازان غلبه یافته است. این تحول بر دغدغه‌های فرهنگی و دامنه انفصال و انزوای اجتماعی جانبازان و برخی از اعضای خانواده، خاصه همسر و فرزندان آنان نیز افزوده است.

کلیدواژگان:

انزوای اجتماعی، جانبازان، جنگ تحمیلی، چالش هویتی، هویت جانبازی.

^۱ مقاله برگرفته از نتایج طرح پژوهشی «مطالعه اکتشافی دیدگاه‌های جانبازان انقلاب اسلامی نسبت به خدمات ایثارگری» است که با حمایت اداره کل روابط عمومی و امور بین‌الملل بنیاد شهید انقلاب اسلامی انجام شده است.

^۲ پست الکترونیکی نویسنده رابط: anbari@ut.ac.ir

مقدمه و بیان مسئله

مهم‌ترین پدیده‌ای که تا قبل از پیدایش جامعه موسوم به جامعه مدرن، ساختار سیاسی و اجتماعی و فرهنگی جوامع را تغییر داده، پدیده «جنگ» بوده است. جنگ را به‌مثابه «هیجان‌انگیزترین پدیده اجتماعی» می‌توان جزء لاینفک تاریخ و زندگی بشری دانست. هیچ مقطع و دوره تاریخی را نمی‌توان یافت که از خونریزی و خشونت انسانی مبرا باشد. اهمیت این پدیده را می‌توان از کثرت منابع مکتوب در زمینه تاریخ‌نگاری و واقعه‌نگاری در جوامع مختلف درک کرد که در آن‌ها موضوع جنگ‌ها بیش از هر عامل دیگری به چشم می‌خورد. جنگ‌ها منشأ تحولات مهم منفی و مثبت سیاسی و فرهنگی و اقتصادی درون و میان ملت‌ها بوده‌اند.

جنگ هشت‌ساله ایران و عراق یکی از رخداد‌های مهم تاریخ بشر در قرن بیستم است. در این جنگ دو کشور ایران و عراق، به‌ویژه از نظر نظامی و تأمین تجهیزات جنگی، متحمل هزینه‌های سنگینی شدند. در واقع نزدیک به نه سال، دارایی این دو کشور به‌سوی صاحبان صنایع نظامی سرازیر شد (خوراسگانی ۱۳۶۸، ۹). اکنون نیز پس از گذشت ۲۲ سال از خاتمه این جنگ، هنوز آثار این واقعه بر جبین کشور ایران و عراق جلوه‌نمایی می‌کند. این جنگ، از آن حیث که قدمت هشت‌ساله داشته و اثرات فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی زیادی بر جای گذاشته است، تبلور خاصی دارد. در طول جنگ میلیاردها تومان خسارت مستقیم و غیرمستقیم اقتصادی به کشور وارد شد (عنبری ۱۳۷۹).^۱ در آمارهای دهه ۱۳۷۰، نزدیک به ۳۵۰ هزار شهید از تلفات انسانی این جنگ گزارش شده است. البته آمار روزافزون جانبازان را نیز که در طول سال‌های بعد در اثر عوارض ناشی از جانبازی به شهادت رسیده‌اند، باید به این رقم افزود. در آمارهای بنیاد شهید حدود ۵۰۰ هزار شهید ذکر شده است.^۲

جنگ نکته‌های قابل توجهی به ایرانیان و حتی جهانیان آموخت. توجه به خودکفایی، گسترش و تقویت روحیه خودباوری، وحدت ملی، ایجاد روحیه جهاد و دفاع، گسترش عینی ارزش‌های شهادت، همبستگی اجتماعی، ایثار و جانبازی و... از آموزه‌های مثبت جنگ بوده‌اند.

۱. اولین بار در سال ۱۹۹۱ میلادی، دبیرکل سازمان ملل در گزارشی خسارات وارده به ایران را در جنگ ایران و عراق ۹۷/۲ میلیارد دلار تخمین زد و در همان زمان سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی وقت رقمی بالغ بر هزار میلیارد دلار را به‌عنوان خسارت اقتصادی مستقیم و غیرمستقیم اعلام کرد.

۲. نک: سایت بنیاد شهید انقلاب اسلامی و امور ایثارگران، <http://www.isaar.ir/Main/index.aspx>

درمورد پیامدها و آثار تخریبی جنگ، مصادیق و تحلیل‌های متعددی وجود دارد. یکی از مهم‌ترین این مصادیق، آسیب‌دیدگی و جنگ‌زدگی است. آسیب‌دیدگان از جنگ نیز متنوع‌اند؛ اما در میان آنان، جانبازان به‌عنوان نماد و واقعیت‌های عینی جنگ از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. با گذشت بیش از دو دهه از جنگ تحمیلی و رهایی نسبی از اثرات آن، هنوز بار رنج و سختی آن بر دوش این قشر سنگینی می‌کند. در میان جانبازان، گروه کثیری متحمل آسیب‌ها و صدمات غیرقابل جبرانی شده‌اند. جانبازان که درصد عمده‌ای، حدود نیم میلیون نفر از جمعیت ایران را به خود اختصاص داده‌اند، با مشکلات فرهنگی، اجتماعی و روان‌شناختی متعددی روبه‌رو هستند (افروز و ویسمه ۱۳۸۰، ۳۷؛ شایان ۱۳۸۶). در میان ۵۲۶ هزار جانباز در کشور، اکنون بالغ بر ۸ هزار جانباز ۷۰ درصد و از این میان نیز بالغ بر ۲ هزار جانباز قطع نخاعی وجود دارد. بی‌گمان این دسته از افراد در طول زندگی خود با مسائل و مشکلات بسیاری مواجه می‌باشند. آنان در زمینه‌های اقتصادی، رفاهی، جسمی و روانی با تنگناهای زیادی مواجه‌اند؛ اما باید اذعان نمود که بخش مهمی از مسائل کنونی جانبازان به‌عنوان حاملان فرهنگ جبهه و جنگ را باید در حوزه فرهنگی جست‌وجو کرد. پس از جنگ، بسیاری از ارزش‌هایی که در آن دوران از مهم‌ترین ارزش‌های فرهنگی و فردی و اجتماعی جامعه به‌شمار می‌رفت، کمرنگ شده است. با گذشت زمان، ترویج روحیه فردگرایی و دنیاگرایی و عواملی دیگر بسیاری از آموزه‌های انسانی و فرهنگی جنگ به دست فراموشی سپرده شده است (شایان ۱۳۸۶). پدیده‌ی ایثار و جانبازی متعلق به حوزه فرهنگی است و انتظارات فرهنگی جامعه از جانبازان نیز بیش از سایر ابعاد است. یکی از شاخصه‌ها و مؤلفه‌های فرهنگی که گروه جانبازان با آن شناخته می‌شوند، فرهنگ ایثار است. بین فرهنگ ایثار و جانبازی و هویت فرهنگی آنان نیز ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. به این معنی، زمانی که آنان تصور کنند که در جامعه، فرهنگ ایثارگری تضعیف و به حاشیه رانده شده است، به‌طور طبیعی آنان تصور می‌کنند که هویت آنان زیر سؤال رفته است. بنابراین یکی از مسائل مهمی که اکنون گروه جانبازان با آن مواجه‌اند «دغدغه هویت»^۱ است.

۱. هنگامی که میان اجزا و ابعادی از شخصیت و معیارها تعارض درگیرد و فرد یا جامعه از حل جامع و ایجاد وفاق میان آن‌ها یا ترجیح و اولویت‌گذاری ناتوان باشد، دغدغه و بحران هویت رخ می‌دهد.

به استناد مطالعات اکتشافی این تحقیق، ما بر این فرض تأکید می‌کنیم که عمده‌ی جانبازان دل‌مشغول گسترش ارزش‌های رقیب فرهنگ و گفتمان ایثارگری و جانبازی هستند.^۱ بدیهی است که به موازات گسترش ارزش‌ها و الگوهای نوظهور، جایگاه فرهنگی جانبازان (جایگاهی که جانبازان همواره هویت خود را در قالب آن جست‌وجو می‌کنند و جامعه نیز بر نقش فرهنگی و معنوی آنان تأکید دارند) به شرایط دیگری مانند بُعد مادی و اقتصادی تقلیل خواهد یافت. این با ماهیت و شأن جانبازی آنان که جامعه برای آنان از قبل تعریف کرده و بخشی از هویتشان به‌شمار می‌رود، مغایرت دارد. هویت انسان‌ها در ادوار مختلف قابل تغییر است؛ اما کسب هویت واحد و نسبتاً پایدار، دغدغه‌ی همیشگی افراد و گروه‌هاست. انسان‌ها در زمان‌های مختلف هویت‌های متفاوتی را کسب می‌کنند؛ ولی از آنجاکه از دگرگونی و بی‌ثباتی‌گریزان‌اند، روایتی تسلی‌بخش از خویش‌تن می‌سازند تا در قالب آن هویت واحدی را احساس کنند (مهدی‌زاده و عنبرین ۱۳۸۸، ۱۷۲). بنابراین مسئله بودن هویت برای جانبازان را می‌توان در صحبت و مصاحبه‌های آنان مکرر مشاهده کرد. بدون تردید این مسائل می‌توانند منبع تعارضات و ناآرامی‌های فکری، روحی و حتی جسمی بیشتر جانبازان به‌طور مستقیم و تردید و ابهام جامعه در مشروعیت بخشی به ارزش‌های جبهه و جنگ به‌طور غیرمستقیم باشد. مقاله حاضر دیدگاه و نگرش جانبازان به‌عنوان بازیگران اصلی^۲ دوران دفاع مقدس را با تحلیل عمیق در این زمینه مورد‌ارزیابی قرار داده است. هدف اساسی تحقیق، بررسی دیدگاه جانبازان درخصوص جایگاه هویتی آنان است. سؤال این است که آیا در هویت جانبازی به‌عنوان گفتمان جبهه و جنگ تحولی صورت گرفته است؟ با این امید که این بررسی درجهت شناخت خلأهای موجود فرهنگی و ترویج هرچه بیشتر فرهنگ ایثار و شهادت و درنهایت هویت‌یابی جانبازان کمکی ارائه داده باشد.

^۱. جانبازی درحقیقت تبلور یا تحمل عوارض ناشی از ادای تکلیف است. امروز واژه ایثار تبدیل به غصب شده است. این همان استحاله‌ای است که ناشی از پارادوکس در دیدمان جانباز با تعاریف رهبران از جانباز است (جانباز قطع نخاع).

^۲. Acteur Social

چهارچوب مفهومی و نظری

تغییرات سریع اجتماعی و ارتباط آن با مقولهٔ هویت، از جمله موضوعات مهم در حوزهٔ علوم اجتماعی امروزی است. واقعیت این است که بخش اعظم جنبش‌های امروزی، مانند فمینیسم و بنیادگرایی و بومی‌گرایی، چنین دغدغه‌ای دارند. وقتی از هویت سخن به میان می‌آید، پدیدهٔ مزبور به‌راستی گویای هیئت و ماهیت وجودی آن است، در غیر این صورت فاقد معنای ماهوی آن خواهد بود (الطائی ۱۳۷۸). هویت، مُعرف پاسخ‌گویی آگاهانهٔ هر فرد به سؤالات مربوط به هویت و تعریف خودش است (باوند ۱۳۷۷؛ شیخاوندی ۱۳۸۰). برخی هویت را معناداری خوانده‌اند؛ یعنی جامعه معنایی برای خودش قائل باشد و در چارچوب آن عمل کند و در صورت ازدست‌دادن این معنا یا به هر دلیل گسستگی در معناداری، با بحران هویت مواجه خواهد شد (رجایی ۱۳۷۳). در برخی دیدگاه‌ها هویت در مقابل «غیر» قابل طرح است. از این منظر، انسان‌ها هویت خویش را در حذف چیزی یا در برابر چیزی تعریف می‌کنند (تاجیک ۱۳۷۹).

هویت انواعی دارد. در یک سطح کلی می‌توان هویت را در دو مقولهٔ هویت فردی و هویت اجتماعی دسته‌بندی کرد. هویت فردی ناظر به نوعی نگرش به خود است، خودی که به جنبه‌هایی از شخص اشاره دارد که با مؤلفه‌هایی مانند اسم، ملیت، قومیت و یا تمایلات شخصی، فکری، ارزشی و یا ایدئولوژیک، او را از دیگری متمایز می‌کنند (گل محمدی ۱۳۸۱، ۲۲۲؛ کبیری ۱۳۸۹). هویت اجتماعی، مجموعهٔ مشخصه‌هایی است که یک گروه را از دیگر گروه‌ها جدا می‌کند؛ یعنی مجموعهٔ ویژگی‌هایی که باعث ایجا «ما» می‌شود و این گروه را تحت عنوان «ما» از گروه‌های دیگر یا «آن‌ها» متمایز می‌سازد (ابوالحسنی ۱۳۸۸، ۳۰).

نظریهٔ هویت اجتماعی که در درجهٔ اول توسط هربت مید^۱ و کولی و بعدها بلومر پایه‌ریزی شد، از طریق نظریه‌پردازانی نظیر تاجفل و ترنر بسط و توسعه پیدا کرد. در نظریهٔ تاجفل و ترنر فرض اساسی این است که جامعه به‌صورت سلسله‌مراتبی شکل گرفته است که در آن گروه‌های اجتماعی متفاوت در روابط قدرت و روابط پایگاهی جایگاه مختلفی در رابطه با هم دارند، مثل زن و مرد، سیاه و سفید، کاتولیک و پروتستان، که این تفاوت در قدرت و پایگاه در گروه‌های

^۱. Herbert mead

کوچک‌تر و ناپایدارتر نظیر کلاس‌ها در مدرسه نیز مشخص است. تاجفل هویت اجتماعی را با عضویت گروهی پیوند می‌زند و عضویت گروهی را مبتنی بر سه عنصر زیر می‌داند:

۱. عنصر شناختی: یعنی آگاهی فرد از اینکه به یک گروه تعلق دارد. البته فرد جایگاه و نقش خاصی را نیز برای خود تعریف می‌کند؛
۲. عنصر ارزشی: فرض‌هایی دربارهٔ پیامدهای ارزشی مثبت یا منفی عضویت گروهی؛
۳. عنصر احساسی: احساسات نسبت به گروه و نسبت به افراد دیگری که رابطه‌ای خاص با آن گروه دارند (Tajfel & Turner 1986).

پیتر بروک از دیگر اندیشمندان، هویت را یک مجموعهٔ معنی در تعریف یک نقش و یا موقعیت اجتماعی از کیستی شخص می‌داند (Bruke 2003).

ریچارد جنکینز^۱ از نظریه‌پردازان هویت اجتماعی، معتقد است که هویت اجتماعی ترکیب یافتن مضمون‌های درهم‌آمیخته و جدایی‌ناپذیر شباهت‌ها و تفاوت انسانی در خلال عمل اجتماعی است. هویت‌های اجتماعی جمعی بر شباهت‌ها تأکید می‌ورزند و حتی آن را می‌سازند. او یادآور می‌شود که هویت اجتماعی ویژگی همهٔ انسان‌ها به‌عنوان موجودات اجتماعی است و از مفهوم عام «هویت» گرفته نشده است؛ زیرا هویت تمامی موجودات و مواد و اشیا را دربر می‌گیرد و قلمرو آن گسترده‌تر از بشریت است. او در تعریف کلی از هویت اجتماعی، تمرکز بسیاری بر دو اصل شباهت و تفاوت دارد. به نظر وی، هویت اجتماعی به شیوه‌هایی که افراد و جماعت‌ها از آن طریق در روابط اجتماعی خود از افراد و جماعت‌های دیگر متمایز می‌شوند، اشاره دارد و کاربرد آن برای برقراری و متمایز ساختن نظام‌مند نسبت‌های شباهت و تفاوت میان افراد، جماعت‌ها و میان افراد و جماعت‌ها است. شباهت خواه واقعی و خواه ناشی از میل و گرایش باشد، اهمیت کمتری نسبت به تفاوت ندارد (جنکینز ۱۳۸۱، ۷ تا ۵).

آنتونی گیدنز نیز در زمینهٔ هویت به بحث در رابطه با هویت شخصی و تجدد و جهانی شدن پرداخته است. وی معتقد است که تغییر شکل هویت شخصی و پدیدهٔ جهانی شدن در دوران اخیر، دو قطب دیالکتیکی محلی و جهانی تشکیل داده است؛ به طوری که حتی تغییرات در جنبه‌های بسیار خصوصی زندگی شخصی نیز با تماس‌های اجتماعی بسیار وسیع ارتباط دارد. درواقع سطح و ابعاد فاصله‌گیری زمانی و فضایی در دوران تجدد کنونی به چنان حدی از

^۱ Richard Dale Jenkins

گسترش رسیده است که برای نخستین بار در تاریخ بشریت، خود و جامعه در محیطی جهانی با یکدیگر به تعامل می‌پردازند. گیدنز معتقد است که «خود» انسان در کنش متقابل با دیگران است که هویتش را ایجاد و در جریان زندگی آن را پیوسته تغییر می‌دهد. خود مفهوم منفعلی نیست که تنها تحت تأثیر عوامل بیرونی شکل بگیرد؛ بلکه ناشی از تعامل درون و بیرون است. علاوه بر آن هویت تفویض نمی‌شود؛ بلکه باید به وسیله خود فرد ایجاد شود (گیدنز ۱۳۷۸).

مانوئل کاستلز معتقد است که هویت سرچشمه معنا و تجربه برای افراد است. برداشت کاستلز از اصطلاح هویت، عبارت است از فرایند معناسازی براساس یک ویژگی فرهنگی یا مجموعه به هم پیوسته‌ای از ویژگی‌های فرهنگی که بر منابع دیگر اولویت داده می‌شود. کاستلز مدعی است از آنجاکه ساختن هویت همواره در بستر روابط قدرت انجام می‌گیرد، باید بین سه صورت و منشأ ساختن هویت تمایز قائل شد: نخست هویت مشروعیت بخش است و به معنای هویتی است که توسط نهادهای غالب جامعه ایجاد می‌شود تا سلطه آنها را بر کنش‌گران اجتماعی گسترش داده و عقلانی کند. این موضوع هسته اصلی نظریه اقتدار و سلطه سنت است؛ اما با نظریه‌های گوناگون مربوط به ملی‌گرایی نیز همخوانی دارد. دوم هویت مقاومت، به هویتی اشاره دارد که به دست کنش‌گرانی ساخته می‌شود که در اوضاع و احوال یا شرایطی قرار دارند که از طرف منطق سلطه، بی‌ارزش دانسته می‌شود و یا داغ ننگ بر آن زده می‌شود و سوم هویت برنامه‌دار نیز هویتی است که هنگامی که کنش‌گران اجتماعی با استفاده از هرگونه مواد و مصالح فرهنگی قابل دسترسی، هویت جدید می‌سازند که موقعیت آنان را در جامعه از نو تعریف می‌کند و به این ترتیب در پی تغییر شکل کل ساخت اجتماعی هستند، این نوع هویت تحقق می‌یابد (کاستلز ۱۳۸۰).

حال با توجه به دیدگاه‌های فوق، موضوع هویت در میان اقشار خاص مانند جانبازان را چگونه می‌توان تحلیل کرد؟ از آنجاکه تعریف خاصی برای مفهوم جانبازی در ایران وجود دارد، باید با اتکا به این تعاریف، هویت و گونه‌ها و دغدغه‌های حول آنها را تشریح کرد.

واقعیت این است که در سطح جهانی، مطالعه در مورد افراد آسیب‌دیده از جنگ و معلولین^۱ سابقه طولانی دارد. به‌طور خاص بعد از جنگ جهانی دوم، تحولی اساسی در موضوع معلولیت

^۱ معلول به کسی گفته می‌شود که بر اثر نقص جسمی یا ذهنی، اختلال قابل توجهی به‌طور مستمر بر سلامت و کارایی عمومی و یا در شئون اجتماعی، اقتصادی و حرفه‌ای او به‌وجود آید؛ به‌طوری‌که این اختلال، از استقلال

و ناتوانی فیزیکی به وجود آمد. اعلام روز جهانی معلولان از بهبود موقعیت و ارتقای جایگاه افراد معلول، در جامعه بشری نوید می‌دهد. امروزه، جوامع نادری در جهان وجود دارند که معلولان را با چشم خاصی می‌نگرند و اندیشه‌های ناپسند «داروینست‌های اجتماعی»، «نهیلیست‌ها»، «نازی‌ها» و «فاشیست‌ها» در مورد معلولین، رنگ باخته است. با تغییرات در افکار جهانی در دهه‌های اخیر، بنیان نگرش سنتی نسبت به پدیده معلولیت که خاستگاه آن جهل یا سوءتفاهم است، سست گردیده است. طرح مشکلات و مطالبات از سوی انجمن‌ها و تشکلات مربوط به آسیب‌دیدگان از جنگ و مطالبات پیگیر جامعه معلولان، محققان و نهادهای علمی و اجرایی را بر آن داشته است تا در این زمینه دست به تحقیقات بیشتر زده و مسائل آنان را بررسی کنند. مسائلی نظیر آموزش، اشتغال، بهداشت و درمان، رفاه اجتماعی، مددکاری اجتماعی، مسکن، حقوق و مزایا، توان‌بخشی و مناسب‌سازی اجتماعی و نحوه گذران اوقات فراغت از اهم مباحث مورد توجه مجریان و کارشناسان دستگاه دولتی بوده است. از آنجاکه غالب این مطالعات با روش کمی و کاربردی بودن نتایج تحقیقات خود تأکید داشته‌اند، توجه کمتری را بر مباحث فرهنگی و نظری موضوع مصروف داشته‌اند. در ایران عمده مطالعات مربوط به جنگ و پیامدهای آن، صبغه ایدئولوژی و ادبی و هنری داشته‌اند. به همین دلیل قالب مطالعات نظرات در مورد پیامدهای جنگ در قالب خاطره و شعر و روایت بیان شده است. مطالعات تخصصی با رویکردهای اجتماعی و جامعه‌شناختی در این مسیر معدوداند.

در مورد شرایط جانبازان و مسائل آنان نیز همین قلت مطالعات دیده می‌شود. در سال‌های اخیر، مطالعات و تحقیقات بیشتری در ارتباط با مسائل این قشر در محافل رسمی و آکادمیک صورت گرفته است. عمده مطالعات موجود یا در قالب کار دانشجویی انجام شده‌اند و بر مسائل خاص رفاهی و آموزشی جانبازان تأکید کرده‌اند. در زیر اهم نتایج و یافته‌های نظری و تجربی حاصل از مطالعات پیشین در مورد جانبازان را بیان می‌کنیم:

۱. **اوقات فراغت:** شکل فعلی گذراندن اوقات فراغت در میان جانبازان مطلوب نبوده و زمینه نارضایتی را فراهم کرده است (علی‌زاده ۱۳۷۹). در این خصوص با وجود کثرت ساعات

فراغت جانبازان و معلولین، کمبود امکانات و وسایل و تنگناهای مالی و رواج روش‌های نامطلوب قابل توجه‌اند. روش‌ها و وسایل مطلوبی که مورد توجه افراد مورد مطالعه‌اند، عبارت‌اند از تماشای تلویزیون، پرداختن به ورزش، فعالیت‌های آموزشی و علمی و حضور در گردشگاه‌ها و طبیعت که باید طی برنامه‌ای هدفمند مورد بهره‌برداری قرار بگیرند. تحلیل روابط میان متغیرهایی نظیر جانباز یا معلول بودن، ورزشکار بودن، محل سکونت، تأهل و نحوه گذران اوقات فراغت نیز مبین یافته‌های قابل توجهی است که به بحث گذاشته شده است (علی‌زاده ۱۳۷۹).

۲. **سلامت جسمانی:** وضعیت سلامت روانی و جسمی جانبازان شیمیایی نامطلوب است. در میان این قشر، روابط اجتماعی با خانواده، مشکلات روحی و احساس تنهایی (تولایی ۱۳۸۶؛ کشتی‌دار ۱۳۷۴) رضایت از زندگی،^۱ سازگاری با همسر و مسائل زناشویی، آسیب‌های اجتماعی، خاصه خودکشی و وابستگی به مواد مخدر، مهم‌ترین عوامل مرتبط با کیفیت زندگی جانبازان شناخته شده است (تولایی ۱۳۸۶؛ تولایی ۱۳۸۵؛ امین‌بیگی ۱۳۸۵؛ سلیمی ۱۳۸۱). در زمینه فعالیت اقتصادی جانبازان و تأثیر آن بر سلامت روحی و روانی جانبازان، بر توجه هرچه بیشتر مسئولان بر تقویت فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی جانبازان تأکید شده است (حاجیلو ۱۳۸۸).

۳. **مراقبت‌های پزشکی:** در امر مراقبت از جانباز ضایعه نخائی، مشکلات و نارضایتی‌هایی وجود دارد (حقانی ۱۳۸۶). به‌عنوان مثال در این زمینه تحقیقات نشان می‌دهد که میزان مواد معدنی استخوان، هنگام بی‌حرکتی‌های طولانی مدت و استراحت در رختخواب کاهش می‌یابد. به‌علت اینکه در افراد با ضایعه نخاع، پاها حرکت ندارد، طبیعی است که این کاهش مواد تشکیل‌دهنده استخوان و به‌تدریج پوکی استخوان در آن‌ها (زیر سطح ضایعه) اتفاق بیفتد (میرخانی ۱۳۸۸).

۴. **خدمات اجتماعی:** نیازهای مطروحه جانبازان در شکل مادی بیشتر در تهیه مسکن و ضروریات زندگی در حد امکانات اولیه که ناشی از وضعیت خاص جانبازی است، دیده شده است. بروکراسی و مشکلات ناشی از این پدیده از جمله مشکلات آنان است (محسنی ۱۳۷۵).

^۱. بهزاد ستاری، بررسی میزان رضایت‌مندی جانبازان از عملکرد بنیاد شهید، دانشگاه پیام نور، ۱۳۹۰.

۵. **اشتغال جانبازان:** مشکل مهم جانبازان، مسئله اشتغال و کاریابی است. تدوین طرح جامع اشتغال جانبازان متناسب با وضعیت جسمانی آنان، تعمیم طرح سهمیه ۱۰ درصدی اشتغال جانبازان به بخش خصوصی، نظارت دقیق بر حسن اجرای قانون اشتغال از سوی بنیاد شهید و امور ایثارگران و توجه به توان بخشی حرفه‌ای جانبازان در فضای کاری، از پیشنهادات حل این مشکل بوده است (کهن‌روز ۱۳۷۳؛ میرزایی ۱۳۸۲).

۶. **مناسب‌سازی:** مناسب‌سازی بناهای اداری و درمانی و تجاری برای جانبازان و معلولین با کندی صورت گرفته است و دلایل آن فقدان برنامه جامع و فراگیر در این زمینه بوده است (عراقچیان ۱۳۶۹). توجه به زندگی شخصی معلول حرکتی یا ضایع نخاعی، فناوری‌های کمکی در مناسب‌سازی محیط و آموزش‌های صحیح در استفاده از امکانات می‌توانند در استقلال، درمان جسمی و روانی، آرامش خانوادگی و دیگر جنبه‌ها مؤثر باشند و او را به‌عنوان یک عضو مؤثر جامعه مطرح نمایند. در این راستا یکی از موارد مهم زندگی شخصی این قشر از معلولین، وضعیت بهداشت و استحمام شامل روش‌ها و وسایل و امکانات و حتی مکان مناسب آن است که با سلامت جسمی و روانی معلول ارتباط مستقیم دارد (سجادی ۱۳۸۵).

۷. **ارزش‌های جانبازی:** نتایج مطالعه‌ای درمورد بررسی ارزش‌ها و نگرش‌های اجتماعی جانبازان نشان داده است که برای جانبازان، اولویت اول ارزش‌های فرهنگی، بُعد اجتماعی و سپس اقتصادی و سیاسی است (اردستانی ۱۳۷۳).^۱ تحقیقی دیگر در پاسخ به سؤال تعیین سلسله‌مراتب ارزش‌های جانبازان تهران بزرگ و عوامل مؤثر بر آن، به این نتیجه رسیده است که بین ارزش‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جانبازان تهران بزرگ تقریباً ناهماهنگی دیده می‌شود. این امر نیازمند تلاش در جهت گسترش و تعمیق ارزش‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به‌صورت هماهنگ در بین جانبازان است.

به‌طور کلی با استناد به ادبیات موضوع، مجموع مطالعات موجود درمورد مسائل جانبازان را می‌توان در سه دسته قرار داد:^۲

^۱ <http://forum.iransalamat.com>

^۲ <http://www.navideshahed.com>

۱. مطالعات حوزه پزشکی: در حوزه پزشکی، خدمات مربوط به بهداشت و درمان، پایش سلامت، مسائل توان بخشی و توانمندسازی همچنین بهره‌مندی جانبازان از تجهیزات پزشکی متناسب مورد بررسی قرار گرفته است؛

۲. مطالعات حوزه اجتماعی و اقتصادی: در این حوزه، موضوعاتی شامل خدمات اجتماعی و رفاهی مانند اشتغال، مسکن، مناسب‌سازی فضاهای شهری، اوقات فراغت، ورزش، اعتیاد همچنین کیفیت زندگی، انحرافات اجتماعی و قوانین و مصوبات مربوط به جانبازان بررسی شده است؛

۳. مطالعات حوزه فرهنگی: در این حوزه با آثار و نوشته‌های گسترده در زمینه فرهنگ ایثار و شهادت، ادبیات جنگ و نهادهای ارزش‌های معنوی مواجه هستیم. فرهنگ شهادت‌طلبی و نقش آن در دوران دفاع مقدس، فرهنگ ایثار شهادت و مسئله امنیت ملی، نقش روحیه ایثار و شهادت در بهداشت روانی رزمندگان ایرانی جنگ تحمیلی، موانع و راهکارهای ترویج فرهنگ ایثار و شهادت در جامعه، راهکارهای ترویج فرهنگ ایثار و شهادت، مفهوم‌پردازی آسیب‌شناسی ترویج فرهنگ ایثار و شهادت، آسیب‌شناسی ترویج فرهنگ ایثار و شهادت، بررسی میزان آسیب‌های فرهنگی ایثارگران شهر همدان، تحلیل محتوای کتب دوره ابتدایی از نظر میزان توجه به متغیرهای فرهنگ ایثار و شهادت، تحلیل محتوای وصایا و آثار فرهنگی شهید بخشی از عناوین مقالاتی است که در سایت ساجد منتشر شده است.^۱ همان‌طور که ملاحظه می‌شود درخصوص مسائل جانبازان مطالعات اندکی صورت گرفته است و یا حداقل اینکه ما از شناسایی کامل آن‌ها ناتوان بوده‌ایم. در تمامی مطالعات پیشین وجوه ادبی و هنری چنین تحقیقاتی بر روش‌های علمی غالب بوده‌اند. عمده مطالعات صورت گرفته در قالب کار دانشجویی با تمرکز بر روش‌های کمی و پیمایشی انجام گرفته‌اند، از سهم نگرش و دیدگاه خود جانبازان در مسئله‌شناسی و تحلیل آن‌ها غافل بوده‌اند. در واقع مسئله محوری و بهره‌مندی از روش کیفی به منظور دستیابی به اندیشه‌های پنهان و تفهیم آن به‌ویژه در تحقیقات مربوط به مسائل فرهنگی جانبازان از مهم‌ترین مسائلی است که تاکنون نادیده گرفته شده است. از سوی دیگر، تمرکز بر حوزه‌های پزشکی، خدماتی، اقتصادی و غفلت از مسائل و مشکلات فرهنگی جانبازان مطالعات پیشین بوده است. این در حالی است که درخصوص جانبازان موضوع هویت

^۱ در اینجا منظور مطالعاتی است که تاحدی ضوابط کار پژوهشی و علمی را رعایت کرده باشند.

و هویت‌یابی از اهمیت بسیار برخوردار است. اینکه گروه جانبازان خود را بر چه اساس و ویژگی‌های مشترکی تعریف می‌کنند و این تعریف امروزه دچار چه چالش‌هایی شده است.^۱ در این تحقیق تلاش شده است به اتکاء نظرات آنان، فهم مخاطبین از هویت و تحولات آن را در دوره زمانی بعد از جنگ بررسی کنیم. ضمن اینکه در میان گفتارها و مصاحبه‌های تفصیلی آنان، مفهوم و چالش هویت بیش از هر عامل دیگری مطرح شده است.

روش‌شناسی

تحقیق در مورد موضوعات نگرشی، خاصه مباحث مربوط به هویت به‌عنوان بحثی تأویلی-توصیفی باید از تحقیقات پهنایی گذر کرد و با رویکردی ژرفایی کار را پیگیری کرد. اطلاعات این تحقیق با تأکید خاص بر مصاحبه‌های تفصیلی و متمرکز جمع‌آوری شده است. مصاحبه‌ها به دو روش «مصاحبه متمرکز» و «مصاحبه‌های مجزا» انجام شده است. روش جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات مطالعه به روش مطالعه مبنایی^۲ بسیار نزدیک است. در واقع در این مقاله، نظرات ۳۲ نفر از جانبازان شهر تهران به‌صورت مصاحبه انفرادی و گروهی جمع‌آوری شده است. غلبه بر محدودیت زمانی و اقتضایات کار مرکز پیشنهاددهنده پژوهش، مطالعه را به‌سوی ساده‌ترین و درعین‌حال مطمئن‌ترین روش جمع‌آوری نظرات، یعنی مصاحبه هدفمند و عمیق، پیش برد. در روش متمرکز در سه گروه پنج نفره و در فاصله‌های زمانی معین از افراد موردنظر دعوت شده تا به‌صورت مباحثه و با روش گروهی به سؤالات پاسخ دهند. با توجه به شرایط موجود، صرف‌نظر از روش خاص مطالعه، البته ضمن مراعات موازین علمی در جمع‌آوری نظرات، روایت تجربه زندگی جانبازی در اولویت قرار گرفت.

باتوجه به ضرورت بهره‌گیری از نظرات گروه هدف و برخی کارشناسان باتجربه در امر خدمات‌رسانی به جانبازان، از قبل محورهای مصاحبه متناسب با اهداف تحقیق تدوین شد. طرح

^۱. البته باید توجه داشت بررسی هویت جانبازی در زمینه وسیع تری تحت عنوان جامعه اسلامی ایران معنی و مفهوم پیدا می‌کند بنابراین در تعریف هویت باید به سراغ ایرانیانی رفت که این تاریخ را ساختند و مستمراً جهان ایرانی را شکل دادند. در ایران احزاب و جریان‌های گوناگونی حضور داشته‌اند، ولی در هسته اصلی شکل‌دادن به هویت ایران، در حاشیه قرار می‌گرفتند. بر این اساس جنبه محقق و بالفعل هویت ما نیز همان هویت اسلامی و دینی است.

^۲. Focus Group Discussion

محورهای مورد مصاحبه با نوعی وسعت دید همراه بوده است؛ به گونه‌ای که هم صاحب‌نظران دانشگاهی که در زمینه نظری موضوع آگاهی داشته و هم عوامل اجرایی که از تجربه و ارتباط مستقیم با موضوع برخوردار بوده‌اند، استفاده شده است. محورهای مصاحبه در هر دو روش از قبل، با هماهنگی به مصاحبه‌شوندگان ارائه می‌شد و از ایشان تقاضای تعیین وقت ملاقات و بیان نظرات خود در روزهای بعد می‌شد. معمولاً فاصلهٔ ارائهٔ محورهای مصاحبه تا زمان انجام مصاحبه از دو هفته تا سه ماه در نوسان بوده است. تقریباً از هر ۱۰ نفر انتخاب‌شده و هماهنگ‌شده برای مصاحبهٔ متمرکز، ۵ نفر علی‌رغم اعلام آمادگی برای همکاری، به دلایل شخصی در مکان مصاحبه حضور نمی‌یافتند. مشکلات جسمی و غیرقابل‌پیش‌بینی برخی از جانبازان دلیل این امر بوده است. شاید بتوان گفت که مجموع افراد مورد مصاحبه در این تحقیق و گفته‌های ایشان، بعد از هماهنگی و تعیین وقت از میان ۸۰ نفر انجام شده است.

برخی از جانبازان تأکید داشتند به منظور بیان حقایق نباید اسم افراد ذکر شود. به اصرار محققان، نام برخی از جانبازان ذکر شده است و بنابه تعهدی که داده شد، از ذکر برخی از اسامی خودداری کردیم. به‌طور کلی بخش مهمی از عزیزان مصاحبه‌شونده با خوش‌رویی تمام با محققان همکاری کرده و با تحمل سختی‌های ناشی از شرایط مصاحبه، به سئوالات پاسخ داده‌اند که نظرات بسیار ارزشمند و راهگشا بوده‌اند. در نهایت برای تعیین افراد مصاحبه‌شونده ضمن دریافت مشاوره از کارشناسان، به روشی هدفمند افرادی با ویژگی‌هایی، همراه با ملاحظهٔ وضعیت درصد جانبازی ایشان، انتخاب شده‌اند. بخشی از جانبازان با شرایط مشترک، مستقر در آسایشگاه، شهرک‌ها، بیمارستان‌ها، منازل مسکونی و نمایندگی‌های تشکلهای مختلف، به‌عنوان جامعهٔ هدف گزینش شدند. انتخاب شرایط فوق در نمونه‌های مورد نظر به منظور تعمیم‌دهی نسبی بخش کوچکی از جانبازان به جامعهٔ کل بوده است.

یافته‌ها

برای تشریح نتایج تحقیق، یافته‌ها را در دو بخش معرفی سیمای نمونه و نتایج تحلیلی تشریح می‌کنیم. بخش اول نتایج ناظر به تشریح و معرفی سیما و ترکیب نمونه آماری و یافته‌های تحلیلی معطوف به تبیین رابطهٔ متغیرها است.

۱. معرفی سیمای نمونه

۱. نوع جانبازی: از نظر درصد جانبازی کل جمعیت نمونه را جانبازان ۷۰ درصد تشکیل داده‌اند. ۳۴ درصد آنان قطع نخاع از گردن، ۳۳ درصد قطع نخاع از کمر، ۱۷ درصد جانباز نابینا و ۱۷ درصد را جانبازان دو پا قطع بوده‌اند.
 ۲. جنسیت: کلیه جانبازان مورد مصاحبه، مرد بوده‌اند.
 ۳. سن: میانگین سن پاسخ‌گویان تحقیق ۵۵ سال بوده است. بنابراین نمونه آماری از نظر سنی در گروه افراد میان‌سال به بالا قرار دارند. کمترین سن در میان افراد، ۳۹ ساله و بیشترین آن ۷۷ سال بوده است.
 ۴. وضعیت تأهل: در زمینه تأهل، ۹۷ درصد پاسخ‌گویان متأهل بوده‌اند و تنها ۳ درصد آنان مجرد یا در وضعیت جدایی یا متارکه بوده‌اند.
 ۵. محل تولد: محل تولد ۳۶ درصد پاسخ‌گویان در شهر و ۶۳ درصد در روستا بوده است.
 ۶. سطح تحصیلات: از جهت تحصیلات، حدود ۱۰ درصد افراد دارای سواد کمتر از دیپلم بودند. حدود ۴۶ درصد آنان در سطح دیپلم بوده، ۹ درصد آنان در سطح فوق دیپلم بوده، ۱۳ درصد دارای تحصیلات دانشگاهی لیسانس بوده و بقیه یعنی ۲۲ درصد تحصیلات بالاتر از لیسانس داشتند.
 ۷. وضعیت اشتغال: از نظر اشتغال، یک‌سوم پاسخ‌گویان شاغل فعال و دوسوم دیگر در وضعیت حالت اشتغال^۱ بودند.
 ۸. محل سکونت: از نظر مکان سکونت، حدود یک‌سوم افراد مورد مطالعه در شهرک‌های سازمانی، ۲۰ درصد در آسایشگاه‌ها و باقی‌مانده در مناطق مسکونی عمومی و به‌صورت پراکنده زندگی می‌کردند.
۲. یافته‌های تحلیلی

۱. قانون حالت اشتغال شامل جانبازان ۷۰ درصدی است که بازنشسته بنیاد شهید و امور ایثاران محسوب شده، حقوق بازنشستگی دریافت می‌کنند و حق استخدام رسمی در دستگاه دولتی را ندارند. به استناد این قانون مصوب ۷۲/۶/۳۰ و آیین‌نامه اجرایی آن به شماره ۹۸۶۶/ت/۲۴۵ مصوب ۷۳/۷/۲ و برابر مفاد آن جانبازان بالای ۲۵ درصد از کارافتاده کلی، با تأیید کمیسیون پزشکی براساس نظام هماهنگ پرداخت حقوق کارکنان دولت برابر با یک فرد شاغل در دستگاه‌های دولتی از حقوق و مزایای مربوطه برخوردار می‌گردند.

برای تحلیل یافته‌ها با استناد به گفته‌ها و نظرات دقیق افراد مورد مطالعه ضمن بیان نتایج به دست آمده، برخی از گفته‌های افراد را نیز بیان می‌کنیم.

۱. جایگاه ایثارگری و جانبازی

یافته‌های به دست آمده نشان می‌دهد که کلیه جانبازان مورد مطالعه مدعی تحولات در نگرش نسبت به جایگاه جانبازی و ایثارگری بوده‌اند. دوسوم آنان مدعی بوده‌اند که شأن پیشین جانبازی در میان مردم و به ویژه مسئولین تغییر و روبه به افول است. یک سوم دیگر ضمن اذعان به تغییر، معتقد بوده‌اند که جایگاه جانبازان در بین توده مردم همچنان محترم است؛ ولی در دیدگاه مسئولین روبه افول گذاشته است. ایشان غلبه ارزش‌های مادی جامعه جدید را در میان مردم، دلیل اصلی مسئله دیده‌اند. برای استناد به برخی نظرات، عین جملات برخی از پاسخ‌گویان بیان می‌شود:

«جانبازی در حقیقت تبلور یا تحمل عوارض ناشی از ادای تکلیف است. امروز واژه ایثار تبدیل به غصب شده است، این همان استحاله‌ای است که ناشی از پارادوکس در دیدگاه جانباز با تعاریف مردم به ویژه رهبران از جانباز است.»^۱

«در حال حاضر جایگاه فرد جانباز به نسبت سال‌های جنگ کم‌رنگ شده است. متأسفانه امروز ایثارگری را با پول معادل‌سازی می‌کنند و این امر بر نظرات جامعه راجع به جانبازان تأثیرگذار بوده است.»^۲

«معنای ارزشی موضوع تغییر پیدا کرده است. در سال‌های جنگ ارزش خاصی که جامعه برای فرد جانباز قائل بودند، الان کم‌رنگ‌تر شده است. به نظر من دلیل این امر عملکرد ضعیف مسئولین در مورد فرهنگ‌سازی موضوع است.»^۳

«به نظر من بنیاد و رسانه‌های گروهی در معرفی جانباز و شأن آن در جامعه کوتاهی کرده است. تاحدی که امروز جانباز در میان مردم هم جایگاه قابل‌قبولی را ندارد و غریبه شده است.»^۴

^۱. جانباز قطع نخاع، دارنده مدرک فوق لیسانس اقتصاد. برای دسترسی به متن کامل گفتارها نک: مصاحبه‌های تحقیق.

^۲. جانباز قطع نخاع، نک: مصاحبه‌های تحقیق.

^۳. جانباز قطع نخاع، دارنده فوق لیسانس جامعه‌شناسی. برای دسترسی به متن گفتارها نک: مصاحبه‌های تحقیق.

^۴. جانباز قطع پا، مدرس دانشگاه. نک: مصاحبه‌های تحقیق.

- «در چهار یا پنج سال اول انقلاب تحت رهبری کاریزمایی و شکوهمند امام، ایثارگری مقدس بود که افرادی برای آن جانشان را می‌گذاشتند. در حال حاضر در مفهوم ایثارگری دگردیسی صورت گرفته است. نگاه مسئولین هم به موضوع عوض شده است. در دوره اول انقلاب تحت رهبری کاریزمایی، معنوی و شکوهمند امام که ما توفیقات زیادی هم داشتیم، ایثارگری مفهوم مقدسی بود. در چهارپنج سال اول جنگ، ایثارگری به اندازه قرآن برای بچه‌ها مقدس بود. برای مسئولین نیز جانبازی مقدس بود. دلیل و گواه بر این امر این است که فراتر از مال، جانشان را داده‌اند. آن چیزی که همیشه انسان را به زمین می‌زند، مرگ است. در پارادایم ایثار مرگ به بازی گرفته می‌شود و اصلاً آن را انتخاب می‌کنند. به هر حال در دهه اول، مفهوم جنگ و ایثارگر برای همه مقدس به حساب می‌آمد؛ اما در سال‌های بعد نگاه‌ها به این مقولات تغییر کرده است. گویانکه آن مفاهیم تاریخ مصرف داشته‌اند.»

- «امروز همسر من یک جوری من را همراهی کند یک جوری من را تحمل کند همسر من قطعاً و صمیماً عاشق من نیست اصلاً نگاهش به عشق عوض شده است. قرار است که عشق دست مایه‌های مجازی پیدا کند.»

- «شکاف یا درواقع انحرافی که از ادبیات سال ۱۳۵۸ یا سال ۱۳۵۷ ایجاد شده و تغییرات در مسئولین سیاسی، تغییراتی که در جامعه ایجاد شده است، به خاطر تهاجمات و شبیخون‌های فرهنگ غربی است؛ خود این جانباز و خود این ایثارگر هم یکی از این مؤلفه‌هاست.»

- «به مرور زمان و زمانی که دنیاگرایی به جان انسان‌ها افتاد و در لذات دنیایی حل شدیم، احساس می‌کنم این واژه و کلمه مقدس را خراب می‌کنیم و رفتارهای ظاهری مان با باطن و جانبازبودنمان تفاوت دارد.»

همه گفته‌های فوق، نشان می‌دهد که پاسخ‌گویان تعریف جامعه از مفهوم ایثارگری را متفاوت از تعریف همیشگی خود می‌بینند.

۲. رشد الگوهای ناهمخوان با فرهنگ ایثارگری

بیش از نیمی از جانبازان مورد مطالعه در بیان علل تحول در ادبیات ایثارگری، رشد الگوهای رفتاری جدید ناهمخوان با فرهنگ ایثارگری را ذکر کرده‌اند. در جهت مسیر تحول گفته شده است که «مشکل عمقی جامعه ایثارگری این است که هم در جامعه و هم در میان ایثارگران،

جایگاه ایثارگری تنزل یافته است.^۱ از این منظر، نهادینه‌شدن شیوه رفتار و سبک زندگی جدید سرمایه‌دارانه که با تفرج و تمول همراه است، از عوامل اصلی تهدیدکننده ارزش‌های جانبازی و جنگ است. جانبازان مدعی بوده‌اند که زندگی کنونی جامعه ایرانی نیز مانند دیگر جوامع، دنیای دیگری است و افراد جامعه در پی آمال و آرزوهایی هستند که این با آرمان‌های ایثارگری در گذشته متفاوت است. جایگاه ایثار و ایثارگری در میان جوانان کم‌رنگ شده و ایثارگران و جانبازان، دیگر گروه‌های مرجع و پیشرو فرهنگ‌ساز برای جوانان تلقی نمی‌شوند. گروه‌های مرجع جدید مانند ورزش‌کاران و هنرپیشگان و... به جای الگوهای مقاومت و دفاع مقدس نشسته‌اند.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که به میزانی که بر شدت و درصد جانبازی افزوده شده است، احساس و نگرش نسبت به ناهمخوانی الگوهای جدید با ارزش‌های جبهه و جنگ بیشتر شده است. جانبازان قطع نخاع به نسبت جانبازان نابینا یا قطع پا، ناهمخوانی موجود را بیشتر و وسیع‌تر و مؤثرتر تصور کرده‌اند. بین تحصیلات افراد و این احساس ناهمخوانی، رابطه معکوس وجود دارد. یعنی هرچه تحصیلات افراد بیشتر بوده است، نگرش نسبت به ناهماهنگی الگوهای رفتاری جدید با قدیم کمتر بوده است. متولدین روستایی نیز به نسبت متولدین شهری، حس ناهمخوانی بیشتری ابراز کرده‌اند. به منظور استناد به متن گفته‌ها، چند مورد از اظهارات افراد عیناً بیان می‌شود:^۲

- «مردم برای ورزش‌کاران سرودست می‌شکنند. چرا برای جانباز که جان خودش را فدا کرده است، این‌گونه نیست. چرا نباید فرهنگ‌سازی شود تا این احترام را هم برای جانبازان و همسران آنان قائل شوند. چون وقتی یک کیلو قند به من جانباز می‌دهند، صدبار در صداوسیما تبلیغ می‌کنند. مردم وقتی این‌ها را می‌شنوند، می‌گویند که تمام مملکت را به این‌ها داده‌اند. در این باره هم فرهنگ‌سازی نشده است. بعضی از بچه‌های ما جانبازان، اعتقادات ما پدران را قبول ندارند. چون جایگاه ما را در جامعه پایین می‌دانند. اگر در این ۲۰ سال کار فرهنگی می‌شد، این اتفاق نمی‌افتاد. چرا برخی از بچه‌ها الان بزهکارند. چون کار فرهنگی نشده است.

^۱. جانباز نابینا، رئیس خانه نور. برای دسترسی به متن گفتارها نک: مصاحبه‌های تحقیق.

^۲. برای دسترسی به متن گفتارها نک: مصاحبه‌های تحقیق.

بچه من هم جزئی از این جامعه است و من را هم فردی می‌بیند که جایگاهی ندارد، چرا باید این طور شود.»

- «جانباز کسی است که به خاطر دفاع از مملکت و حتی به خاطر وظیفه‌ای که داشت، به جبهه رفته است و از کشور دفاع کرده است. اصلاً توجهی به صحبت‌های من ندارد. انگار در یک دنیای دیگر است و با کسی دیگر صحبت می‌کند. اگر یک نفر با کیف سامسونیت و کت و شلوار و قیافه شیک وارد بنیاد شد، دیگر جانباز دیده نمی‌شود.»

- «حتی بعضی اوقات فرزندان جانباز ظاهر خودشان را طوری آراسته می‌کنند که خودشان را از خانواده جدا شاهد کنند. این مسئله، اختلاف‌های فرهنگی زیادی با خانواده‌هایشان به وجود آورده است.»

- «یک قهرمان می‌رود دوتا مشت یا یک گل می‌زند، بعد می‌گویند رایگان دانشگاه برود. بعد به جانبازان می‌گویند سهمیه دارد و بی‌سواد است. یک توپ توی گل زده است، به او قهرمان ملی می‌گویند، به او زانتیا می‌دهند. جالب است که می‌گویند سربازی هم نرو، قهرمان سرباز، سهمیه دانشگاه هم دارد.»

۳. غلبه نگرش اقتصادی (غیر فرهنگی) به جانباز

جانبازان تغییر نگرش مردم به جامعه جانبازان از شأن فرهنگی به جایگاهی مادی را از دیگر نگرانی‌های خود بیان کرده‌اند: ۸۵ درصد افراد ابراز داشته‌اند که بنیاد شهید و امور ایثارگران و عملکرد آن درقبال جانبازان عموماً دارای ماهیت مادی بوده و از مسائل و مشکلات فرهنگی ایشان غافل بوده است و این موضع‌گیری بر تصور مردم نیز مؤثر بوده است. ضمن اینکه این موضوع به معنای رفع مشکلات اقتصادی جانباز نیز نبوده است. سایر جانبازان یعنی ۱۵ درصد نیز مسائل مادی را مهم‌تر از فرهنگی دانسته‌اند. در این موضوع بین شدت جانبازی با این نگرش رابطه مستقیم دیده شده است؛ به این معنا که هرچه میزان از کارافتادگی فرد جانباز افزایش یافته است، گرایش به انتقاد از اقتصادگرایی در تعریف جانباز بیشتر شده است. جانبازان با درصد جانبازی بالاتر، دغدغه بیشتری نسبت به جایگاه فرهنگی و شأن اجتماعی این مفهوم داشته‌اند. به بیان روشن‌تر جانبازان نابینا کمترین نگرانی و جانبازان قطع نخاع از گردن بیشترین نگرانی را در ارتباط با کاهش منزلت و شأن جانبازی دارند. گفتار مشترک افراد مورد مطالعه این بوده است که «بیشتر مشکلات کنونی جانبازان مربوط به بخش فرهنگی است. اکنون وضعیت حقوقی و درمانی

و اردوهای درمانی بنیاد شهید نسبتاً خوب است. خدمات مسکن و خودرو هم با وجود کاستی‌ها خوب است. اما در بخش فرهنگ جانبازان که با وضعیت روحی و روانی آن‌ها مرتبط است، کاری نشده است.^۱ همچنین گفته می‌شود که عملکردهای بنیاد از نگاهیان گرفته تا مسئول بالا باید فرهنگی باشد. بنیاد یک سازمان آهن‌فروشی نیست؛ یک بنیاد فرهنگی است.^۲ «متأسفانه امروز اینارگری را با پول معادل‌سازی می‌کنند و این امر بر نظرات جامعه راجع به جانبازان تأثیرگذار بوده است.»^۳

۴. چالش هویتی و تعارض منزلتی

با اندکی تأمل در گفتارهای متعدد و مکرر پاسخ‌گویان می‌توان مفهومی را برای نمایندگی و معرفی نظرات ایشان مطرح کرد: چالش و دغدغه هویتی. منظورمان گسترش حس بحران در میان مخاطبین در تعریف خود و مقایسه آن با شرایط اجتماعی و فرهنگی حاکم بر جامعه است. بر این اساس به‌صراحت می‌توان سطح دغدغه‌های هویتی جانبازان را تا مرحله حس بحران در میان جانبازان، البته عمدتاً جانبازان با درصد آسیب‌دیدگی بیشتر، مشاهده کرد.

در میان جمعیت نمونه، جانبازان با درصد جانبازی بیشتر و متولد روستایی نسبت به دیگران نگرانی بیشتری درمورد ابهام در تعریف جایگاه هویتی و منزلتی خود داشته‌اند. همراه با این متغیرها، سطح تحصیلات نیز عامل مؤثری در افزایش دغدغه جانبازان نسبت به تعریف هویت خود در شرایط سیاسی اجتماعی فعلی بوده است. به تصریح ایشان، در ادبیات و گفت‌مان جانبازی و اینارگری استحاله‌ای صورت گرفته است و تقدس و منزلت فرهنگ جانبازی و جایگاه اولیه آن به‌چالش کشیده شده است. در نتیجه تعریف هویت جانبازی در دوگانگی شرایط امروز بر دامنه ابهامات و تعارضات افزوده است. این تعارض نتیجه چندین عامل بوده است که اهم آن‌ها به قرار زیرند:

۱. انفصال اجتماعی در هم‌زبانی و نحوه تعامل و کنش متقابل جانبازان با مردم به‌ویژه با نسل

جوان؛

۱. نک: متن مصاحبه‌های اکتشافی تخصصی.

۲. نک: متن مصاحبه‌های اکتشافی تخصصی.

۳. نک: متن مصاحبه‌های اکتشافی تخصصی.

۲. عدم تطابق الگوهای رفتاری جدید با فرهنگ ایثارگری؛
 ۳. تحول در تفسیر و قرائت‌های مربوط به ارزش‌های جبهه و جنگ؛
 ۴. تغییر نگرش مردم نسبت به جایگاه جهاد و شهادت؛
 ۵. سیطره نگاه مادی و اقتصادی به قشر جانباز از سوی مردم؛
 ۶. دو یا چندقطبی شدن جامعه در خصوص ارزش‌های دینی.
- برای اینکه برداشت فوق مستند به متن گفتارهای پاسخ‌گویان باشد، برخی از گفته‌های ایشان عیناً نقل می‌شود:

- «بیشتر مشکلات مربوط به بخش فرهنگی است. اکنون وضعیت حقوقی و درمانی و اردوهای درمانی بنیاد نسبتاً خوب است. خدمات مسکن و خودرو هم با وجود کاستی‌هایی که هست، خوب است؛ اما در بخش فرهنگ که جانبازان نیازمند آن هستند و وضعیت روحی و روانی اقتضا می‌کند از آرامش بیشتری برخوردار گردند، کاری نشده است.»

- «عملکرد بنیاد باعث شده است که فامیل‌های من فکر کنند دولت همه‌روزه دارد به من امکانات می‌دهد. رنج و اعدامی بالاتر از بیکاری و پرسه‌زنی برای جانبازان نیست. تزریق بی‌مورد پول بنیاد ممکن است برخی را به بیراهه بکشاند.»

- «در جبهه وقتی می‌خواستیم از خودکار دوست شهیدم استفاده کنیم، می‌گفت این خودکار بیت‌المال است، با این خودکار شخصی بنویس. اما الان این بحث‌ها مطرح می‌شود و روحیه ما را آزار می‌دهد. حالا حساب کنید که در اجتماع این کارها چقدر ما را اذیت می‌کند. نهادها کاری کرده‌اند که تمام فامیل و همسایگان من فکر کنند من مثل مورچه دائماً در حال کردن و جمع‌آوری اقلام از بنیاد شهید هستم. بدبینی مردم از این ناحیه است که کسی که دم از خدا و پیامبر می‌زند، جبهه رفته و جوانی‌اش را فدا کرده است، حالا بعد از جنگ خودش را به آب و آتش می‌زند که به چیزهایی برسد.»

- «برخی جانباز هستند که پول بنیاد شهید آن‌ها را به بیراهه کشانده‌اند. الان در میان جانبازان کسانی هستند که کارهای نادرستی از سر بیکاری و بی‌برنامگی انجام می‌دهند. چون آب وقتی در یک جایی می‌ماند، می‌گندد. جانباز اگر بدون برنامه‌ای از فعالیت بماند، از نظر علمی و فرهنگی با اجتماع امروز فاصله می‌گیرد. الان جانبازان را با بحث‌هایی مانند کالا، پول، خدمات

مطرح کردند؛ یعنی ایثارگری با پول معادل‌سازی شده. این شرایط نظر جامعه را تحت‌تأثیر قرار داده است؛ چون برخی از جامعه به ما می‌گویند شما دیگر چه مشکلی دارید.^۱

- «در زمان جنگ دیدگاه مردم نسبت به جانباز خوب بود و جانباز را الگو و مجسمهٔ ایثار می‌دانستند. به‌مرور زمان که از جنگ فاصله می‌گیریم، در این دیدگاه تغییر صورت می‌گیرد. تا امروز که به جانباز بی‌تفاوت شده‌اند و کمتر توجه می‌کنند. در اوایل، اگر جانبازی یا یک معلول مادرزادی روی ویلچر می‌رفت، به احترام او حتی در سازمان‌های دولتی قیام می‌کردند؛ اما امروز کم‌رنگ شده است. حالا کسی باید به این قضیه غنا می‌بخشید. چه کسی در این زمینه کوتاهی کرده است؟ باید به این بحث پرداخت.»

از مهم‌ترین گونه‌های تعارض که در گفتارها به آن استناد شده است، شکاف نسلی و فکری میان جانبازان و فرزندان ایشان است. بیش از دوسوم افراد موردمصاحبه معتقد بوده‌اند که تفاوت ذهنیت میان ایشان و فرزندانشان و همچنین سایر جوانان به‌عنوان نسل جدید درمورد هویت جانبازی با ایشان به‌عنوان یک مسئله همراه بوده است. بسیاری از جانبازان معتقد بوده‌اند که با فرزندان و جوانان در جامعه هم‌زبان نیستند. فرزندان ایشان تمایل زیادی دارند هویت جانبازی و ایثارگری خانواده را پنهان نگه دارند؛ در صورتی که همین موضوع برای والدین در شمار افتخارات اجتماعی به‌حساب می‌آید. فرزندان ایثارگران احساس می‌کنند با اشاره به این هویت، به‌نوعی فاصله و تفاوت در زبان و ذهنیت و نهایتاً جدایی اجتماعی از دیگران نزدیک می‌شوند. این نگرانی در میان افراد با تحصیلات پایین‌تر و در شرایط اشتغال، یعنی غیرشاغل، بیشتر از سایرین بوده است. برای نمونه برخی از گفته‌های صریح پاسخ‌گویان به قرار زیر بوده است:

- «فرزندان بعضی اوقات ظاهر خودشان را طوری آراسته می‌کنند که خودشان را از خانوادهٔ شاهد جدا کنند. این مسئله، اختلاف‌های فرهنگی زیادی با خانواده‌هایشان به‌وجود آورده است. حتی روی دوستان هم تأثیر می‌گذارد.»^۲

۱. جانباز قطع نخاع، نک: متن مصاحبه‌های اکتشافی تخصصی.

۲. جانباز قطع دو پا، نک: متن مصاحبه‌های اکتشافی تخصصی.

- «یک‌سری خانواده‌ها هستند که حاضر نیستند ویلچر پدرشان را هل بدهند و یا دست پدر نابینایشان را بگیرند. این ناشی از چیست؟ آیا غیر این است که شأن و مقبولیت جانبازی از جایگاه قبلی برخوردار نیست.»

- «من وقتی می‌خواهم بچه‌ام را به پارک یا سرزمین عجایب ببرم، باید جایی بایستم که کسی من را نبیند. این بچه دوست دارد با من برود. آیا این فرهنگ‌سازی شده است که این بچه از من فرار نکند، آیا بچه‌ها سؤال نمی‌کنند که این کیست؟ چرا این‌طور شده است. من موجب خواری او هستم یا موجب افتخار آن. خیلی از مشکلات روحی و روانی ما این است که بچه‌های ما کاملاً ما را قبول داشته باشند.»

در مورد فاصله اجتماعی باید اشاره کرد که این موضوع با قوانین و مقررات بنیاد شهید و امور ایثارگران نیز ارتباط دارد. گفته‌ها این است که «باید ضمن ارائه حقوق به جانباز، منع قانونی همکاری یا اشتغال در بخش‌های دیگر برای او وجود نداشته باشد تا شخصیت و جایگاه جانباز و مشارکت اجتماعی آنان تحت تأثیر قرار نگیرد...» «اگر ماهانه دو میلیون تومان حقوق داشته باشم، اما آدم بیکاری به حساب بیایم، جایگاه و شخصیت در جامعه پایین خواهد بود. این نوع جانباز از بقیه افراد بیشتر آسیب می‌بیند، به لحاظ فیزیکی هم آسیب بیشتری می‌بیند.» نظرهای دیگر این است که «قانون حالت اشتغال، جانباز را منزوی و گوشه‌گیر می‌کند و با ارزش‌های جانبازی در تضاد است.» نکته مهم دیگر این است که شرایط سیاسی کشور نیز با تعریف از هویت جانبازی ارتباط دارد. یافته‌ها نشان می‌دهد که به تناسب افزایش مشکلات در جامعه، نگاه ابزاری به جانبازان نیز افزایش یافته است. بخش مهمی از جانبازان از این موضوع احساس نگرانی کرده‌اند. گفته‌ها این است که «...جانبازان دوست ندارند ابزار باشند، دوست دارند سمبل و نماد باشند. خیلی از جانبازان به خیلی از جاها نمی‌روند و مصاحبه نمی‌کنند؛ چون می‌دانند که بیهوده است. خیلی از مجری‌های تلویزیون که نام جانباز را بر زبان می‌آورند، اصلاً اعتقاد به جانباز ندارند. پس این باید یک فرهنگ بشود.»

در گفتارها، مکرر به تعارض بین حرف و عمل و تعارفات بدون پشتوانه عملی اشاره شده است. گفته شده است که «این قدر موانع برای حضور جانباز در اجتماع وجود دارد که انسان را از ورود به جامعه پشیمان می‌کند. اتوبوس نیست، قطار نیست، خودروی مناسب نیست و... به جانباز گفته می‌شود که شما الگو هستید، شما عزیز هستید، ما به شما مدیون هستیم، شما به

گردن ما حق دارید و...؛ اما در عمل نه...» «مسئولین در عمل یک کار ضربتی و بسیجی وار برای جانبازان نکرده‌اند. اگر ما جانبازان، زود منزوی و آزرده شدیم، شاید به خاطر همین عملکردها و نوع نگاه‌ها بوده است.» «برخی سازمان‌ها بیشتر از آن چیزی که می‌خواهند عمل کنند، تبلیغ می‌کنند؛ این به ضرر جانبازان تمام می‌شود.» «در مورد ارائه خدمات به جانبازان، اغراق می‌شود. این خودش یک نوع تخریب‌گری است. چون ما (جانبازان) خدماتی دریافت نمی‌کنیم و از طرف دیگر تخریب هم می‌شویم.» بنیاد شهید بیشتر از آن چیزی که عمل کند، تبلیغ و اطلاع‌رسانی می‌کند؛ اما این به ضرر جانبازان تمام می‌شود.^۱

نتیجه‌گیری و بحث

از بین مسائل مختلفی که جانبازان جنگ تحمیلی با گذشت بیش از دو دهه از جنگ با آن مواجه‌اند، مسئله جایگاه و نقش و هویت جانبازی است. هر جا که ضرورت فرهنگ‌سازی ایثار و شهادت مطرح می‌شود، دغدغه هویت جانبازی، نمود بیشتری می‌یابد. جانبازان جنگ تحمیلی با جسم و جان خود از جامعه و ارزش‌های اسلامی و انسانی دفاع کردند؛ از این حیث سزاوار احترام و تکریم همگانی می‌باشند. این امر خواست رسمی و آرمان اعتقادی هر جامعه‌ای نیز هست. اما در عمل و در کنش‌ها و رفتار روزمره مسئولین و مردم، رفتارها و عملکرد متضاد با این تکریم و اعتقادات فراوان دیده می‌شود. در این تحقیق کیفی و در مصاحبه با جانبازان، بسیاری از آنان نسبت به این موضوع نگران‌اند و مدعی‌اند که در ادبیات جانبازی استحاله‌ای صورت گرفته است و تقدس این هویت و جایگاه آن در جامعه نسبت به گذشته به چالش کشیده شده است.

یافته‌ها نشان می‌دهد تعداد زیادی از جانبازان معتقدند بین هویت جانبازی و گفتمان دفاع مقدس رابطه مستقیم وجود دارد؛ به این معنی هر چه در حقانیت و تقدس جنگ و دفاع مقدس تردید و شک روا داشته شود، به همان میزان هویت جانبازی و موقعیت جانبازان در جامعه نیز تضعیف می‌شود. در نگرش آنان هویت جانبازان چیزی جز حقانیت و مشروعیت جنگ تحمیلی به‌عنوان یک تکلیف دینی نیست. در پاسخ به چرایی مسئله، آنان دوری از فضای معنوی جبهه و جنگ و اولویت‌بخشی به نیازهای مادی را از عوامل اصلی نگرانی خود نسبت به تضعیف

^۱. جانباز قطع نخاع، نک: متن مصاحبه‌های اکتشافی تخصصی.

هویتشان می‌دانند. در پاسخ به اینکه چگونه می‌توان بر تقویت و ارتقاء هویت جانبازی همت گمارد، تعداد زیادی از جانبازان در مصاحبه‌ها بر راه‌حل‌هایی چون برنامه‌ریزی دقیق و درست فرهنگی، عملگرایی و دوری از شعارزدگی و همچنین به نحوه عملکرد خود جانبازان در جامعه اشاره کردند. آن‌ها در برخی از مصاحبه‌ها در این زمینه بر فراجناحی بودن جانبازان و نقش آنان تأکید دارند و معتقدند هر قدر ایثارگری جانبازان را به گروه‌های بیشتری تعمیم دهیم و از جناحی کردن آن خودداری کنیم، بر تقویت و هویت جانبازی گام مؤثرتری برداشته‌ایم. با قبول این پیش‌فرض که در جهان واقع همه‌چیز در حال شدن و گردیدن است، هر دوره زمانی برای خود دارای اقتضاعات و هویت خاصی است که دوره‌های قبل و بعد آن لزوماً حاوی آن مشخصات نیست. در دوران دفاع مقدس و موقعیت جنگی، ارزش‌ها و آرمان‌هایی بر جامعه حاکم است که در دوران تثبیت چنین ارزش‌هایی از هژمونی چندانی برخوردار نبوده و یا حداقل در اولویت قرار نمی‌گیرند. در دوره جنگ طبیعی است که این ارزش‌ها و آرمان‌های هر جامعه هستند که به فرهنگ تبدیل و نهادینه می‌شوند؛ درحالی‌که در دوران بعد از جنگ چیزی که ظهور و بروز می‌کند، واقعیت‌گرایی و دنیاگرایی بیشتر است. به قول ماکس وبر، واقعیت‌ها از حیث منطقی با ارزش‌ها تفاوت دارند. و همین تفاوت بین ارزش‌ها و واقعیات در دو دوره قبل و بعد از جنگ تحمیلی است که تفسیر مناسبی را برای ما در بحث تحول هویتی جانبازی فراهم می‌سازد.

با این توضیح باید پذیرفت که حفظ هویت جانبازی و گفتمان ایثارگری با برگشت به همان فضای دوران جنگی، چیزی که در بسیاری از مصاحبه‌ها به آن اشاره شده بود، ممکن نیست. ضمن اینکه نادیده‌انگاشتن ارزش‌های حاکم بر دوران بعد از جنگ که عموماً با ارزش‌های دوران دفاع مقدس همخوانی ندارند نیز ناممکن است. بنابراین چیزی که می‌ماند و می‌توان به مدد آن به حفظ و تقویت ارزش‌های دفاع مقدس و به تبع آن هویت جانبازی دست یافت، بازسازی و نوسازی گفتمان جبهه و جنگ به دور از هر افراط و تفریطی مطابق با مطالبات و نیازهای جوانان و نسل امروز و آینده جامعه است. در این میان ضمن توجه به مؤلفه‌های فرهنگ بومی در طرح و ترویج ارزش‌ها، انعطاف‌پذیری، عام‌گرایی و واقعیت‌گرایی در ترویج فرهنگ جبهه و جنگ از اهمیت زیادی برخوردار است، تحقق چنین امری با مدیریت فرهنگی مناسب و

بهره‌گیری از روش‌های میان‌رشته‌ای و همچنین استفاده از تجربه زیسته خود این عزیزان ممکن خواهد شد.

یادداشت‌ها

۱. همکاری و مشاوره دکتر ره‌پیک، خانم‌ها پریسا عبداللهی و الهام غفوری و آقای دکتر کمالی در این پژوهش شایان ذکر و سپاس است.

کتابنامه فارسی

۱. ابوالحسنی، سیدرحیم. ۱۳۸۹. *تعیین و سنجش مؤلفه‌های هویت ایرانی*. تهران: پژوهشکده تحقیقات راهبردی مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۲. ابوالحسنی، سیدرحیم. ۱۳۸۸. «سازگاری هویت‌ها در فرهنگ ایرانی: مطالعه موردی شهروندان تهرانی»، سیاست، ش ۱۰.
۳. احمدی، حمید. ۱۳۸۳. «هویت و قومیت در ایران» در *هویت در ایران*. پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
۴. آشوری، داریوش. ۱۳۷۹. *ما و مدرنیت*. تهران: موسسه فرهنگی صراط.
۵. افروز، غلامعلی و علی‌اکبر ویسمه. ۱۳۸۰. «بررسی رابطه میزان افسردگی فرزندان پسر جانبازان و نحوه ارتباط با پدرانشان». *مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی*. س ۳۱.
۶. امین‌بیگی، علی. ۱۳۸۵. *بررسی علل اختلافات زناشویی جانبازان نخاعی استان آذربایجان غربی*. طرح پژوهشی.
۷. اوند، داوود. ۱۳۷۷. *چالش‌های برون‌مرزی و هویت ایرانی در طول تاریخ*. ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی. س ۱۲، ش ۱۲۹، ۱۳۰.
۸. تاجیک، محمدرضا. ۱۳۸۴. «روشن‌فکر ایرانی و معمای هویت ملی» در *درآمدی بر فرهنگ و هویت ایرانی*. تهران: مؤسسه مطالعات ملی.
۹. تبریزی، محسن. ۱۳۸۳. *سنجش میزان رضایتمندی مددجویان از نحوه ارائه خدمات توان‌بخشی در جمعیت هلال احمر شهر تهران*. کارفرما جمعیت هلال احمر.
۱۰. تولایی، عباس. ۱۳۸۵. «متغیرهای مرتبط به خودکشی در جانبازان متوفی». *طب نظامی*. ۸۵، ش ۲.
۱۱. جانباز، دانشگاه تهران. دانشکده علوم اجتماعی.

۱۲. جنکینز، ریچارد. ۱۳۸۱. *هویت اجتماعی*، ترجمه تورج یاراحمدی. تهران: نشر شیرازه.
۱۳. حاجیلو، نادر. ۱۳۸۸. «رابطه فعالیت اقتصادی اجتماعی و تأثیر آن بر مشکلات روحی و روانی جانبازان». *طب نظامی*. ۱۱، ش ۲.
۱۴. حقانی، حمید. ۱۳۸۶. پژوهشی بررسی کیفیت مراقبت ارائه شده به جانبازان قطع نخاع در منزل.
۱۵. خوراسگانی، ربانی. ۱۳۶۸. *جامعه‌شناسی جنگ*. انتشارات فیروز.
۱۶. رجائی، فرهنگ. ۱۳۷۳. «هویت و بحران هویت ایرانی». *جامعه سالم*. ش ۲۴.
۱۷. رضایی اردستانی، محمدحسین. ۱۳۷۴. *بررسی ارزش‌های اجتماعی جانبازان*. دانشگاه پیام نور.
۱۸. سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۹. گزارش نهایی برآورد خسارت جنگ تحمیلی. تهران: معاونت امور اقتصادی، دفتر کلان اقتصادی. سایت بنیاد شهید و امور ایثارگران انقلاب اسلامی.
۱۹. سلیمی، حسین. ۱۳۸۱. *ویژگی‌های روان‌شناختی اجتماعی جانبازان دارای وابستگی به مواد مخدر*. کتابخانه علوم بهزیستی و توان‌بخشی.
۲۰. شایان، فاطمه. ۱۳۸۶. «نگاه واقع‌گرایانه به مشکلات جانبازان». *روزنامه رسالت*. ش ۶۲۸۰.
۲۱. شیخاوندی، داور. ۱۳۷۸. «میزگرد وفاق اجتماعی و همبستگی ملی». *فصلنامه مطالعات ملی*. س ۱، ش ۱.
۲۲. شیخاوندی، داور. ۱۳۸۰. *ناسیونالیسم و هویت ایرانی*. مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
۲۳. الطائی، علی. ۱۳۷۸. *بحران هویت قومی در ایران*. تهران: شادگان.
۲۴. عراقیچیان، محمدرضا، بی تا. *مناسب‌سازی بناهای اداری، درمانی و تجاری برای جانبازان و معلولین* (مطالعه موردی شهر همدان).
۲۵. علی‌پورنیا، اکبر. ۱۳۸۶. *بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر نگرش جانبازان نسبت به مواد مخدر در استان مازندران*. بنیاد شهید و امور ایثارگران (معاونت پژوهش و ارتباطات فرهنگی).
۲۶. علی‌زاده، محمدحسین. ۱۳۷۹. «بررسی چگونگی گذران اوقات فراغت جانبازان و معلولین (با تأکید بر نقش تربیت بدنی و ورزش)». *نشریه حرکت*. ش ۶.
۲۷. عنبری، موسی و قاسم اویسی. ۱۳۸۸. *طرح پژوهشی مطالعه اکتشافی دیدگاه‌های جانبازان انقلاب اسلامی نسبت به خدمات ایثارگری*. اداره کل روابط عمومی و امور بین‌الملل بنیاد شهید انقلاب اسلامی.
۲۸. عنبری، موسی. ۱۳۸۳. «اثرات جنگ بر ساختار خانواده های مهاجر جنگ تحمیلی». *نشریه علمی-ترویجی فرهنگ و اندیشه*. س ۶، ش ۲۲-۲۳.

۲۹. عنبری، موسی. ۱۳۷۹. بررسی وضعیت آسیب‌دیدگان جنگ تحمیلی. تهران: جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران.
۳۰. کاستلز، مانوئل. ۱۳۸۰. عصر اطلاعات؛ قدرت هویت، ترجمه حسن چاووشیان. ج ۲. تهران: طرح نو.
۳۱. کاشی، عباس. ۱۳۸۷. کتاب راهنمای افراد مبتلا به آسیب نخاعی. انتشارات پژوهشکده مهندسی و علوم پزشکی جانبازان.
۳۲. کبیری، افشار. ۱۳۸۹. بررسی تحولات تاریخی هویت ملی در ایران در هویت (۳). تهران: پژوهشکده تحقیقات راهبردی مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۳۳. کشتی‌دار، محمد. ۱۳۷۴. تأثیر تمرینات هوایی بر منبع کنترل و میزان افسردگی جانبازان ضایعه نخاعی استان خراسان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تربیت مدرس.
۳۴. کهن‌روز، حسن. ۱۳۷۳. بررسی موانع و مشکلات کاریابی و اشتغال بکار دانشجویان.
۳۵. گستون، بوتول، بی‌تا. پوالمولوژی جامعه‌شناسی جنگ. ترجمه فریدون سرمدی.
۳۶. گل‌محمدی، احمد. ۱۳۸۱. جهانی‌شدن فرهنگ و هویت. تهران: نشر نی.
۳۷. گیدنز، آنتونی. ۱۳۷۱. جامعه‌شناسی. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.
۳۸. گیدنز، آنتونی. ۱۳۷۸. تجدد و تشخص. ترجمه ناصر موفقیان. تهران: نشر نی.
۳۹. محسنی، ابراهیم، بی‌تا. بررسی نگرش جانبازان نسبت به عملکرد بنیاد جانبازان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
۴۰. مصطفایی، رضا. ۱۳۶۱. جامعه جانبازان. پایان‌نامه کارشناسی دانشکده علوم اجتماعی.
۴۱. مهدی‌زاده و عنبرین. ۱۳۸۸. «بررسی رابطه میزان و نحوه استفاده از اینترنت و هویت فرهنگی جوانان». فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات. س ۵. ش ۱۷.
۴۲. میرخانی، علیرضا. ۱۳۸۸. بررسی میزان رضایت‌مندی جانبازان از عملکرد بنیاد شهید. دانشگاه پیام نور.
۴۳. میرزایی، نورعلی. ۱۳۸۲. بررسی عمده مسائل اجتماعی جانبازان با تأکید بر مسئله اشتغال. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات.
۴۴. هادی‌بیگلو، اصغر. ۱۳۸۶. بررسی نیازها و منزلت اجتماعی جانبازان، سازمان بنیاد شهید و امور ایثارگران. (معاونت پژوهش و ارتباطات فرهنگی).

۴۵. ولایی، سیدعباس. ۱۳۸۶. «پژوهشی با موضوع: کیفیت زندگی جانبازان شیمیایی ۱۵ سال پس از مواجهه با گاز خردل». علوم رفتاری. س ۱. ش ۱.

کتابنامه لاتین

46. Bruke j, Peter and Jan E. Stets, 2003. A Sociological Approach to Self and Identity. in Handbook of Self and Identity. Edited by Mark Leary and June Tangney, Guilford Press.
47. Tajfel, H. & Turner, J. C. 1986. The social identity theory of intergroup behaviour. In S. Worchel & W. G. Austin (Eds.), Psychology of intergroup relations, pp. 7-24. Chicago, IL: Nelson-Hall.